

بِه نام خدا

هنرمند



هنرمند

دیشب من سرگرم نقاشی کردن بودم که پدرم گفت: «من دوست دارم فرزندم هنرمند باشد؛

یک هنرمند خوب.»

من با خوش حالی گفتم: «پس من برای اینکه هنرمند باشم، سعی می‌کنم نقاشی کردن را خیلی

خوب یاد بگیرم.»



پدر گفت: «دخترم، هر کاری که با دقت و فکر انجام
شود، هنر است؛ مثلاً اگر تو بتوانی سفالگر بشوی و با
گیل چیزهای زیبا بسازی، هنرمند هستی.»

قالی بافی هم هنر است. عکاسی هم هنر است؛
پس برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید
هنرمند باشی.

فرزندم، هنرمند باید خوب فکر کند. با دقت به همه
چیز نگاه کند و صبر و حوصله داشته باشد تا در کارهایش
موفق شود.»



صفحه ی ۶۶ کتاب فارسی

گوش کن و بگو



۱. به چه کسی هنرمند می گویند؟

۲. یک هنرمند چگونه در کارش موفق می شود؟

۳. کدام یک از هنرها را بیشتر دوست داری؟ چرا؟

۴.

درست، نادرست



۱. سفالگر با گل چیزهای زیبا می سازد.

۲. هر کاری که با دقت و فکر انجام شود هنر است.

۳. پدرم گفت: «فقط نقاش ها هنرمندند.»

۴.

کلمات هم معنی

درس دهم

هنرمند



دیشب

سرگرم

هنرمند

سعی

خوش حالی

صبر و حوصله

زیبا

موفق^۳

نقاشی کردن

دیشب: شب گذشته

هنرمند: کسی که کاری را با دقت انجام می دهد.

سرگرم: مشغول

خوش حالی: شادی

نقاشی کردن: نقاشی کشیدن

سعی: تلاش، کوشش

صبر و حوصله: تحمل

موفق: پیروز

زیبا: قشنگ

کلمات مخالف

درس دهم

هنرمند



دیشب

دخترم

خوش حال

سعی می‌کنم

خیلی خوب

باهنر

بادقت

دیشب ≠ امشب

دخترم ≠ پسر م

خوش حال ≠ ناراحت

سعی می کنم ≠ سعی نمی کنم

خیلی خوب ≠ خیلی بد

باهنر ≠ بی هنر

بادقت^۳ ≠ بی دقت^۳

درس دهم

«هنرمند»

آموختنی‌ها

- ۱ هنرهای مختلف و ابزار مرتبط با آن‌ها
- ۲ گسترش واژگان
- ۳ آشنایی با زمان انجام کار در آینده



کلمات هم‌معنی

..... دیشب:
 سعی:
 فکر:
 مخالف:
 اندکی:
 مشغول:

کلمات مخالف

..... هنرمند ≠
 بادقت ≠
 خوب ≠
 صبر ≠

..... فرزند:
 هنرمند:
 سرگرم:
 موفق:
 صبر:
 سفال‌گر:

..... موفق ≠
 خیلی ≠
 سرگرم ≠



کلمات هم‌معنی

شب گذشته دیشب
 تلاش سعی
 اندیشه فکر
 متضاد مخالف
 کمی اندکی
 مشغول سرگرم

کلمات مخالف

هنرمند ≠ بی هنر
 بادقت ≠ بی دقت
 خوب ≠ بد
 صبر ≠ عجله

فرزند: بچه
 هنرمند: باهنر ، کسی که هنر دارد.
 سرگرم: مشغول
 موفق: پیروز
 صبر: حوصله
 سفال‌گر: کسی که با گل چیزهای زیبا می سازد.

موفق = ناموفق
 خیلی = کم
 سرگرم = بیکار، مشغول نبودن



واژه سازی

درس دهم فارسی

هنرمند







آب



چرخ سفالگری



گل



پایه دوربین

فیلم دوربین

دوربین



دار قالی



نخ



نقشه



رنگ



بوم نقاشی



قلم مو



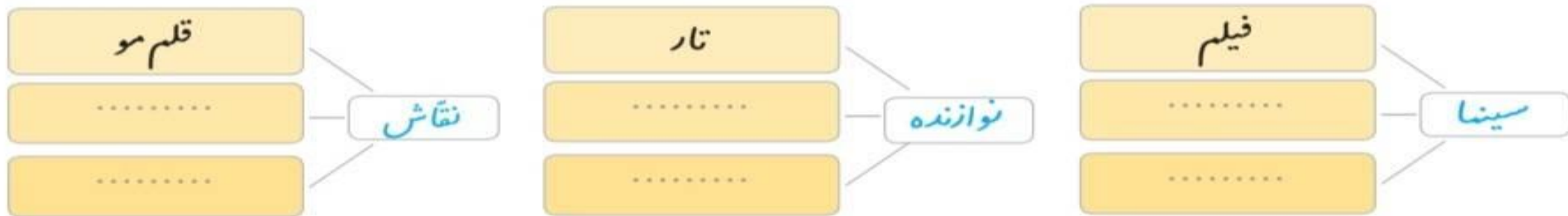


۲ تا به حال چند کلمه‌ی تازه از کتاب هدیه‌های آسمان یاد گرفته‌ای؟ ده تای آن‌ها را بنویس.

۲

۳ کامل کن.

۳



۴ اگر عکاس بودی، از چه چیزهایی عکس می‌گرفتی؟

۴

۶۵

خدا یارت!

تا به حال چند کلمه‌ی تازه از کتاب هدیه‌های آسمان یاد گرفته‌ای؟ ده تای آن‌ها را بنویس.

۲

کامل کن.

۳



اگر عکاس بودی، از چه چیزهایی عکس می‌گرفتی؟

۴

۶۵

خدا یارت!

پياموز و بگو

درس دهم فارسی

هنرمند



یک روز مادر سیما و سهیل از آن ها پرسید : شما در آینده چه کاره **خواهید** شد؟

سیما گفت : من پرستار **خواهم** شد.

سهیل گفت : من در آینده فضانورد **خواهم** شد و به فضا **خواهم** رفت.

سپس آن ها به مادرشان گفتند : ما برای رسیدن به آرزوهایمان درسهایمان را خوب **خواهیم** خواند.

مادر به آن ها گفت : شما حتما موفق **خواهید** شد.



خواه

(خواهم-خواهی-خواهد-خواهیم-خواهید-خواهند)

اگر بخواهیم جمله ای را که در زمان حال یا گذشته اتفاق افتاده را به زمان

آینده تبدیل کنیم با توجه به شخصی که کار را انجام می دهد از

(خواهم-خواهی-خواهد-خواهیم-خواهید-خواهند) استفاده می کنیم.



من هنرمندم. ← من هنرمند **خواهم** شد.

او نقاشی می کشد. ← او نقاشی **خواهد** کشید.

از پدرم پرسیدم. ← از پدرم **خواهم** پرسیدم.

علی عکاس است. ← علی عکاس **خواهد** شد.





کشیدم.

کشیدی.

کشید.

کشیدیم.

کشیدید.

کشیدند.

من نقاشی

تو نقاشی

او نقاشی

ما نقاشی

شما نقاشی

(آنها-ایشان) نقاشی



من نقاشی خواهم کشید.

تو نقاشی خواهی کشید.

او نقاشی خواهد کشید.

ما نقاشی خواهیم کشید.

شما نقاشی خواهید کشید.

(آنها-ایشان) نقاشی خواهند کشید.

درس دهم فارسی

هنرمند



حالا تو بگو



بیاموز و بگو



من هنرمند خواهم شد.
او نقاشی خواهد کشید.
از پدرم خواهم پرسید.
علی عکاس خواهد شد.



من هنرمندم.
او نقاشی می کشد.
از پدرم پرسیدم.
علی عکاس است.

حالا تو بگو



.....
.....
.....
.....



من می آیم.
او رفت.
پروانه نشست.
او از پدرش می پرسد.

من می آیم.



او رفت.



پروانه نشست.



او از پدرش می پرسد.



من می آیم.



من خواهم آمد.

او رفت.



او خواهد رفت.

پروانه نشست.



پروانه خواهد نشست.

او از پدرش می پرسد.



او از پدرش خواهد پرسید.

هر وسیله مربوط به کدام شغل است؟

۲

خودکار - چکش - اره - میخ - کاغذ - واکس - پارچه - سوزن - چرم - نخ - تخته - آجر - تیشه.

نویسندگی	بنایی	نجاری	خیاطی	کفاشی
.....
.....
.....

مانند مثال کامل کن. مثال: می روم ← خواهم رفت.

۳

.....	←	می بینم
.....	←	می نویسی
.....	←	می شنوید

درباره ی یکی از هنرها چند سطر بنویس.

۴



.....

.....

.....

.....

.....

۶۷



هر وسیله مربوط به کدام شغل است؟

۲

خودکار - چکش - اره - میخ - کاغذ - واکس - پارچه - سوزن - چرم - نخ - تخته - آجر - تیشه.

نویسندگی	بنایی	نجاری	خیاطی	کفاشی
خودکار	آجر	اره	پارچه	واکس
کاغذ	تیشه	تخته	سوزن	چرم
		چکش	نخ	میخ

مانند مثال کامل کن. مثال: می روم ← خواهم رفت.

۳

می بینم	←	خواهم دید
می نویسی	←	خواهی نوشت
می شنوید	←	خواهید شنید

درباره ی یکی از هنرها چند سطر بنویس.

۴



Four empty boxes for writing, arranged vertically.

۶۷



الف) باشد - هنرمند - فرزندم - دارم - دوست - من - یک.

ب) دقت - هنرمند - باید - کند - نگاه - همه - چیز - به - با.

۳ به اول و آخر کلمه‌های زیر، یک کلمه‌ی دیگر اضافه کن و کلمه‌ای جدید بنویس.

.....	←	کش
.....	←	خواب
.....	←	کار
.....	←	سنگ
.....	←	مداد
.....	←	دل

۴ دوست داری مدرسه‌ات چه شکلی باشد؟ درباره‌ی آن دو سطر بنویس.



به امید دیدار!



(الف) باشد - هنرمند - فرزندم - دارم - دوست - من - یک.
 من دوست دارم فرزندم یک هنرمند باشد.

(ب) دقت - هنرمند - باید - کند - نگاه - همه - چیز - به - با.
 هنرمند باید با دقت به همه چیز نگاه کند.

به اول و آخر کلمه‌های زیر، یک کلمه‌ی دیگر اضافه کن و کلمه‌ای جدید بنویس.

نقشه کش	←	نقشه کش
تخت خواب	←	تخت خواب
هم کار	←	هم کار
سنگ فرش	←	سنگ فرش
مداد تراش	←	مداد تراش
دل سنگ	←	دل سنگ

دوست داری مدرسه‌ات چه شکلی باشد؟ درباره‌ی آن دو سطر بنویس.



۲ به هر یک از کلمه‌های زیر، یکی از کلمه‌های «بی - نا - هم» را اضافه کن و معنای آن را بنویس.

سال: نام:

کار: آرام:

۳ با توجه به کلمه‌ی داخل کمانک، مانند مثال، هر بار جمله را تغییر بده و بنویس.

مثال: من کتابم را امانت دادم. (تو)
تو کتابت را امانت دادی. (آن‌ها)

(شا)

۴ اگر با ماهِ آسمان حرف بزنی، به او چه می‌گویی؟ در دو سطر بنویس.



۶۸

به امید دیدار!



به هر یک از کلمه‌های زیر، یکی از کلمه‌های «بی - نا - هم» را اضافه کن و معنای آن را بنویس.

سال: هم سال
 نام: هم نام
 یعنی دو نفر دارای یک اسم باشند.

کار: بی کار
 آرام: نا آرام
 یعنی کسی که کار ندارد. یعنی کسی که آرامش ندارد.

با توجه به کلمه‌ی داخل کمانک، مانند مثال، هر بار جمله را تغییر بده و بنویس.

مثال: من کتابم را امانت دادم. (تو)
 تو کتابت را امانت دادی. (آن‌ها)
 آن‌ها کتابشان را امانت دادند.

شما کتابتان را امانت دادید.
 (شما)

اگر با ماهِ آسمان حرف بزنی، به او چه می‌گویی؟ در دو سطر بنویس.

.....

.....

.....



.....

.....

.....

.....



به امید دیدار!





پیداکن و بگو



۱. کلمه‌هایی که با «گر» ساخته شده‌اند.
۲. کلمه‌هایی که در آن‌ها «ه» به کار رفته است.

بازی و نمایش



یکی از هنرهایی را که در درس آمده است، به دلخواه انتخاب و به صورت نمایش اجرا کنید.

پیداکن و بگو



۱. کلمه‌هایی که با «گر» ساخته شده‌اند. **سفالگر**
۲. کلمه‌هایی که در آن‌ها «ه» به کار رفته است. **نگاه**

بازی و نمایش



یکی از هنرهایی را که در درس آمده است، به دلخواه انتخاب و به صورت نمایش اجرا کنید.



بخوان و حفظ کن



من هنرمندم

بَلَدَمِ شَعْرِ بَلُوْمِ، بَلَدَمِ قَصَّةِ بَخْوَانِمِ
بَلَدَمِ لَانَةِ بَسَازِمِ، بَلَدَمِ پِشِ كَبُوْتَرِ
بَلَدَمِ پَاكِ وَ مَرْتَبِ، بَزْمِ شَانَةِ بَهْ مَوْمِ
بَلَدَمِ رُويِ لَبِ تُو، كَلِّ لَبْخَنْدِ بَكَارِمِ
بَلَدَمِ خَسْتَكَلِي ات رَا بَه سَلَامِي بَنَكَاغَمِ
بَلَدَمِ شَاخِهْ كَلِي رَا بَدَهْمِ هَدِيَهْ بَه مَادَرِ
بَلَدَمِ آيْنِهْ بَاشَمِ، بَلَدَمِ رَاسْتِ بَلُوْمِ
بَلَدَمِ مَرْدَمِ دُنْيَا، هَمِهْ رَا دَوْسْتِ بَدَارِمِ

اششِينِ عِلَّا





حکایت

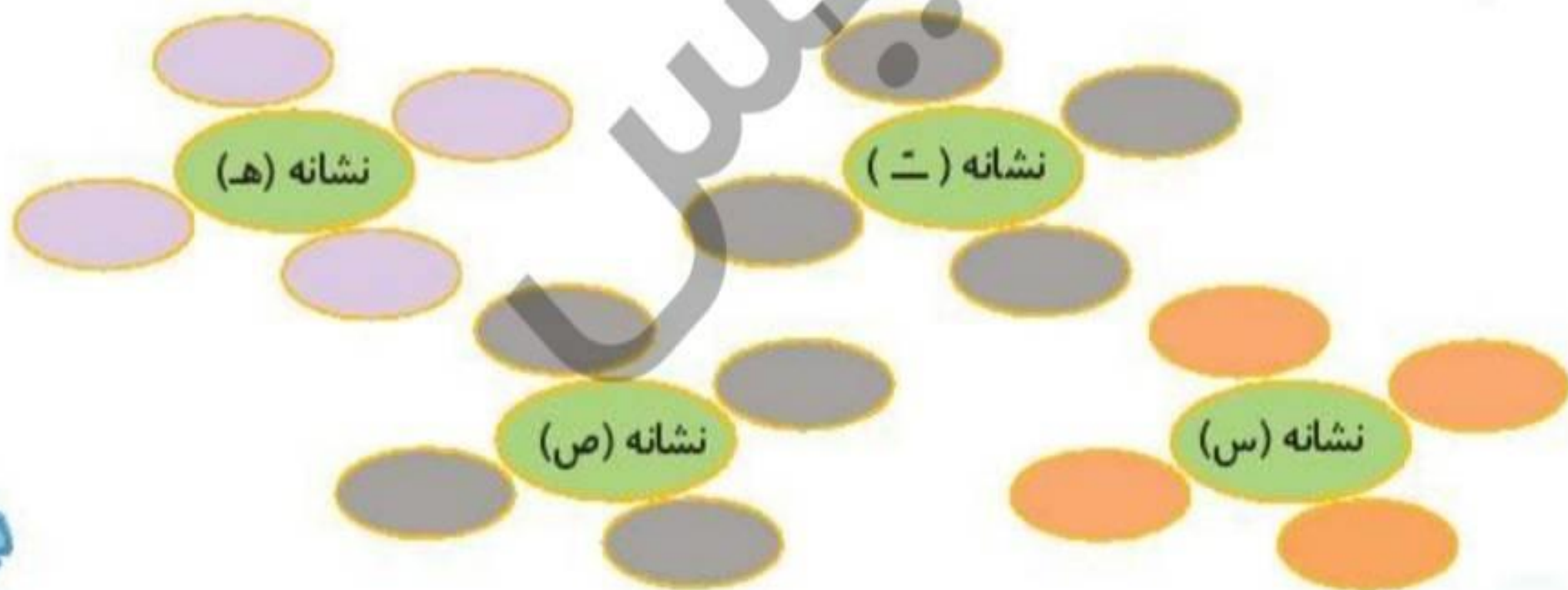


کودکِ زیرک

یکی از دانشمندان می‌گوید: «روزی در اتاق خود مشغول کتاب خواندن بودم. شنیدم در می‌زنند؛ رفتم و در را باز کردم؛ بچه‌ی همسایه بود که آتش می‌خواست. آتشدان را به او نشان دادم و گفتم: این آتش، اما چگونه می‌بری؟ تو که ظرفی نداری؟ اندکی صبر کن تا ظرفی بیاورم.» آن کودک با احترام گفت: «راضی به زحمت شما نیستم.» نزدیک آتشدان رفت؛ ابتدا کمی خاکستر سرد برداشت و سپس مقداری آتش روی خاکستر گذاشت، آنگاه روبه من کرد و گفت: «این طور» و بالبی خندان خدا حافظی کرد و رفت. من به هوش آن کودک آفرین گفتم.

* چرا دانشمند به هوش کودک آفرین گفت؟

عزیزم با توجه به متن درس، برای هر نشانه چهار کلمه پیدا کن و بنویس.



هنرمند ➔ درس دهم

عزیزم با توجه به متن درس، برای هر نشانه چهار کلمه پیدا کن و بنویس.

هر کاری هنر مند نقاشی با دقت

نشانه (هـ) نشانه (ت) عکاسی موفق

هنر همه سر گرم سفالگر

نشانه (ص) حوصله صبر سعی عکس



تمرین



۱ تصاویر و جمله‌های مرتبط را به هم وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)

کسی که قالی می‌بافد.



کسی که طراحی می‌کند.



کسی که لباس می‌بافد.



کسی که کفش می‌دوزد.

تمرین



۱

تصاویر و جمله‌های مرتبط را به هم وصل کن. (یک گزینه اضافی است.)

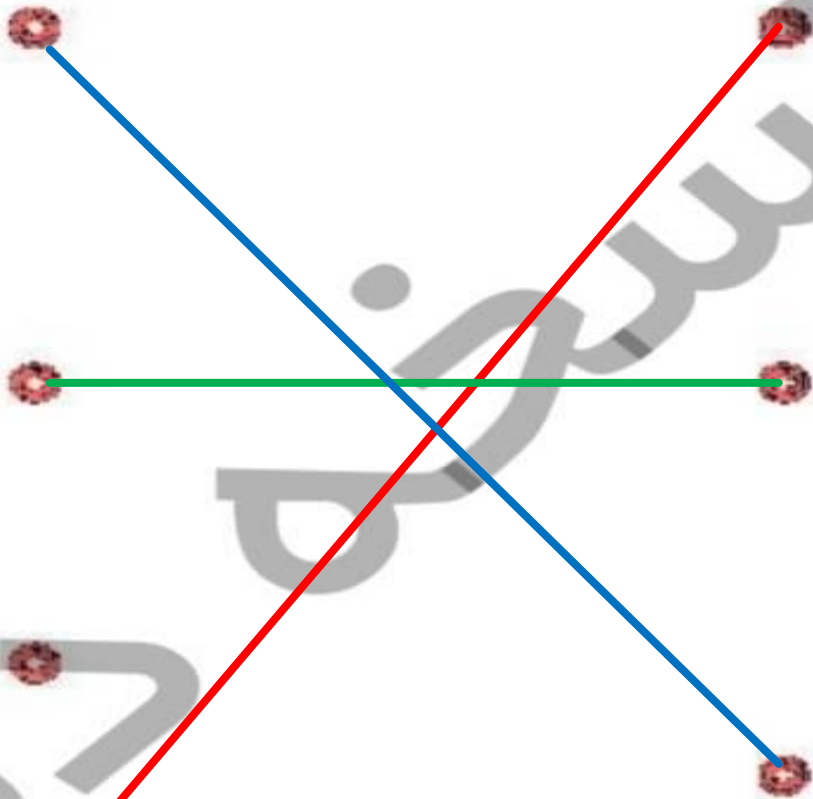


کسی که قالی می‌بافد.

کسی که طراحی می‌کند.

کسی که لباس می‌بافد.

کسی که کفش می‌دوزد.



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: هر کاری که با دقت و فکر انجام گیرد، هنر است.

ب: پدرم گفت: «تو عکاس خوبی خواهی شد.»

پ: سفال‌گر با گل چیزهای زیبا می‌سازد.

ت: فقط عکاس‌ها هنرمند هستند.

۲ هر کلمه را در جای مناسب بگذار.

سفال‌گری، عکاس، هنرمند

الف: نقاش یک است.

ب: هم یک هنر است.

پ: برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید باشی.

فارسی دوم دبستان



۲ درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: هر کاری که با دقت و فکر انجام گیرد، هنر است.

ب: پدرم گفت: «تو عکاس خوبی خواهی شد.»

پ: سفال گر با گل چیزهای زیبا می‌سازد.

ت: فقط عکاس‌ها هنرمند هستند.

۲ هر کلمه را در جای مناسب بگذار.

سفال‌گری، عکاس، هنرمند

الف: نقاش یک **هنرمند** است.

ب: **سفال‌گری** هم یک هنر است.

پ: برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید **عکاس** باشی.

فارسی دوم دبستان



علوی

۴

نام هر هنرمند را، همراه با سه واژه‌ی مربوط به آن در جاهای خالی بنویس.



.....



.....



.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

۵

جملات را با توجه به قسمت داده شده کامل کن.

..... خواهیم.....

ما این کتاب را خریدیم.

..... هفته‌ی آینده به مدرسه.....

علی امروز به مدرسه می‌رود.

..... من فردا.....

من آنجا هستم.

علوی

۴

نام هر هنرمند را، همراه با سه واژه‌ی مربوط به آن در جاهای خالی بنویس.



.....
خیاط

.....
نخ
پارچه
چرخ خیاطی



.....
مجسمه ساز

.....
سنگ
چکش
تیشه



.....
نویسنده

.....
قلم
کتاب
کاغذ

۵

جملات را با توجه به قسمت داده شده کامل کن.

ما این کتاب را خریدیم.

علی امروز به مدرسه می‌رود.

من آن جا هستم.

ما فردا این کتاب را خواهیم خرید

علی هفته‌ی آینده به مدرسه خواهد رفت

من فردا آن جا خواهیم بود

چه هنری را دوست داری؟ نقاشی کن و درباره‌ی آن دو جمله بنویس.

۶



.....

.....



هنرمند. ▶ درس دهم

فارسی

۷ با کلمه‌های «هنرمند، پروانه و درخت، یک متن کوتاه بنویس.

.....

.....

.....

.....

★ حالا با توجه به متنی که نوشتی، ۲ سؤال طرح کن و از دوستانت بخواه تا جواب آن‌ها را بگویند.

۱.....

۲.....

۸ در هر دسته یک کلمه با بقیه تفاوت دارد، دور آن را خط بکش.

الف: دوربین - فیلم - آهنگ - عکاس

ب: سفال‌گر - گل - مجسمه - نخ

پ: رنگ - سبند - نقاش - قلم‌مو

با توجه به سوالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: به کدام کلمه نمی‌توان «گر» اضافه کرد؟

- (۱) کار
- (۲) نمایش
- (۳) آهن
- (۴) دست

ب: کدام گزینه درست است؟

- (۱) می‌خواهم ← خواهد خوابید
- (۲) می‌آیم ← خواهیم آمد
- (۳) رفتی ← خواهید رفت
- (۴) زدند ← خواهند زد

پ: کدام گزینه‌ها در یک گروه قرار نمی‌گیرند؟

- (۱) موسیقی، ساز، سنتور
- (۲) سفال، گل رس، کوزه
- (۳) سوزن، نخ، قلم‌مو
- (۴) کتاب، مداد، نویسنده

ت: کدام گزینه شعر زیر را کامل می‌کند؟

«بلام بگویم، بلام بخوانم، بلام خستگی‌ات را به بتکانم.»

- (۱) شعر، قصه، نگاهی
- (۲) قصه، شعر، نگاهی
- (۳) شعر، قصه، سلامی
- (۴) قصه، شعر، سلامی



با توجه به سوالات داده شده، گزینه‌ی مناسب را انتخاب کن.

الف: به کدام کلمه نمی‌توان «گر» اضافه کرد؟

(۱) کار (۲) نمایش

ب: کدام گزینه درست است؟

(۱) می‌خواهم ← خواهد خوابید

(۲) رفتی ← خواهید رفت

پ: کدام گزینه‌ها در یک گروه قرار نمی‌گیرند؟

(۱) موسیقی، ساز، سنتور

(۲) سفال، گل رس، کوزه

(۳) سوزن، نخ، قلم‌مو

(۴) کتاب، مداد، نویسنده

ت: کدام گزینه شعر زبیر را کامل می‌کند؟

«بلام بگویم، بلام بخوانم، بلام خستگی‌ات را به بتکانم.»

(۱) شعر، قصه، نگاه

(۲) قصه، شعر، نگاه

(۳) شعر، قصه، سلامی

(۴) قصه، شعر، سلامی



خوانش و پردازش



داستان زیر را بخوان و به سؤال‌ها پاسخ بده.

۱۰

روزی روزگاری، در جنگل بزرگی، مردی پیاده‌روی می‌کرد که ناگهان حیوان بزرگی را دید که از دور به سوی او می‌آید. پس فرار کرد اما جایی برای پنهان شدن پیدا نکرد. چشمش به چاهی افتاد و فوری درون آن رفت و پایش را روی تکه چوبی گذاشت که در چاه بود.

حیوان بزرگ از آنجا عبور کرد و رفت. مرد تا خواست از چاه بیرون بیاید، دو راسو به سمت چاه آمدند و بالای آن نشستند. مرد بسیار ترسیده بود و اطراف خودش و داخل چاه را نگاه کرد. روبه‌رویش کندوهای زنبور عسل بود و بوی خوش عسل را حس می‌کرد. اما وقتی چشمش به پایین افتاد، چند مار و یک اژدها دید. نمی‌دانست از ترس چه کار کند.

کمی گذشت. بسیار گرسنه شده بود. شروع به خوردن عسل‌ها کرد. عسل‌ها کاملاً حواسش را پرت کردند و مار و اژدها و راسوها، از یادش رفتند. ناگهان پایش لیز خورد و درون چاه افتاد و اژدها و مارها به او حمله کردند.

«کلیله و دمنه، باب برزویه طیب»

الف: چه چیزی حواس مرد را بیشتر از همه پرت کرد؟

.....

ب: چرا وقتی مرد، حیوان بزرگ را دید، فرار کرد؟

.....

پ: به نظر تو مرد داستان، چگونه آدمی بود؟

.....

ت: اگر تو جای نویسنده بودی، چگونه داستان را تمام می کردی؟

.....

.....



هنرمند ➔ درس دهم